

« بحث در جرایم بر ضد شرافت »

عناصر جرم

« ۴ »

فصل پنجم

عناصر مخصوص بهر يك از انواع جرایم

در این قسمت ابتدا عناصر هر کدام از جرایم بر ضد شرافت را جدا گانه ذکر میکنیم تا هر کدام از آنها بخوبی شناخته شوند و سپس عناصر مشترك و مهم آنرا مشروحاً مورد بحث قرار خواهیم داد.

عناصر افترای لفظی و کتبی - ایندو چون از لحاظ احکام و نتایج یکی هستند عناصر آنها نیز باتفاق ذکر میگردد:

۱ - اسناد معین - باین معنی که اسناد باید یک امر معین را که در ایران عبارت است از یک جنحه یا جنایت با ذکر مورد و مشخصات نسبت داده باشد نه اسناد یک امر کلی و مبهم.

۲ - وسیله معین که در ایران عبارت است از نشر اوراق چاپی و نطق در مجامع.
۳ - تصریح اسم طرف که این موضوع در قانون ایران قابل بحث بوده ولی در بعضی کشورها از جمله فرانسه شرط حتمی افترا نیست.

۴ - عدم توانائی اثبات انتساب - که در قانون ایران بان تأکید شده ولی در بسیاری از کشورهای خارجه لازم نیست که طرف حتماً شخص با حیثیتی باشد و جرمی را در اصل مرتکب نشده باشد.

۵ - قصد که در هر جرم جزء عناصر اولیه است.

عناصر افترای عملی (موضوع ماده ۳۶۹ مکرر الف) - بر اثر تجربه و بررسی ماده مذکور این عناصر برای تحقق جرم مورد لزوم است.

۱ - وقوع جرم قبلی یا تعقیب قبلی موضوع.

۲ - گذاشتن اشیاء مظنون.

۳ - قصد اضرار.

۴ - رفع اتهام از شخصی که مورد این افترا واقع شده.

عناصر اهانت:

۱ - استعمال عبارات و الفاظ و یا ارتکاب عملیات موهن.

- ۲ - تعیین طرف.
 - ۳ - قصد اضرار و هتك حرمت طرف.
- عناصر جرم جعل اکاذیب (موضوع ماده ۲۶۹ مکرر ب) :
- ۱ - اسناد اکاذیب یا اعمال برخلاف حقیقت.
 - ۲ - وسیله معین که مراسلات و عرایض و اوراق چاپی و خطی و راپرت‌ها است.
 - ۳ - قصد اضرار بغیر یا تشویش اذعان عمومی یا مقامات رسمی.
- هنگامیکه اهانت - یا اسناد نسبت بمأمورین رسمی دولت صورت بگیرد باید این عناصر را بآنها اضافه نمود .

- ۱ - احراز استخدام و مأموریت طرف.
 - ۲ - اثبات اینکه هتك حرمت بسبب انجام وظیفه مأمور رسمی بوده.
- اگر بخواهیم بهمان فرضی که در بالا آورده شده عناصر هر یک از انواع این جرایم را جداگانه مورد بحث قرار دهیم در بعضی موارد ناچار بتکرار مکررات خواهیم شد لذا ارکان این جرائم را بطور کلی مطالعه مینمائیم آنهم باین ترتیب که طبق فصول آتیة مباحثی را بمیان میآوریم که باید تأثیر آنها در تحقق این جرائم مطالعه شود و عبارتند از :

موضوع اسناد - وسیله معین - قصد - عدم اثبات صحت انتساب . علن و انتشار .

* * *

فصل ششم

موضوع اسناد در جرائم برضد شرافت

موضوع اسناد در افترا و اهانت و جعل اکاذیب یکسان نیست و اینک بررسی آن در هر کدام از آنها :

موضوع اسناد در افترا - در افترا موضوع باید یک عمل جنحه یا جنایت باشد تا افترا خوانده شود و باید اسناد یک امر معین باشد و بطور کلی نمیتوان آنرا عنوان نمود و مثلاً حتی اگر روزنامه‌ای بنویسد « این وزیر خائن را از کابینه بیرون کنید » افترا مرتکب نشده بلکه خیانتی که در قانون ذکر شده باشد مثل انواع خیانت بمیهن یا خیانت در امانت را باید نسبت داده باشد ولی البته این عبارت توهین محسوب میشود - پس برای اینکه افترا صورت گیرد باید شرحی از یک عمل که مثلاً دال بر جاسوسی است اسناد دهد از قبیل تسلیم اسناد محرمانه دولت بعوامل خارجی در این موارد نیز نمیتوان اسناد دهنده را بعنوان مفتری تعقیب کرد .

۱ - در صورتیکه عمل منتسب بدیگری در تاریخ اسناد جرم نباشد ولی قبلاً جرم محسوب و ارتکاب شخص مورد اسناد هم بزمانی که آن عمل جرم بوده است داده شود و همچنین اگر عمل انتسابی در تاریخ اسناد جرم باشد ولی ارتکاب دیگری بموقعی که آن جرم نبوده معین شده باشد .

بحث در جرایم بر ضد شرافت

۲ - اگر عمل مورد اسناد جرم باشد ولی پس از وقوع جرم افترا و قبل از صدور حکم قطعی نسبت بمفتري بموجب قانون متأخر عملی که مفتري بدیگری نسبت داده از صورت جرم بودن خارج شود یا عملی در تاریخ انتساب جرم نباشد ولی بموجب قانون بعدی جرم معرفی گردد.

در صورت وجود هر یک از صور فوق چون بموجب ماده ۶ قانون مجازات شخصی مورد اسناد خود قابل تعقیب نیست نمیتواند تقاضای مجازات اسناد دهنده را بنام مفتري بنماید.

موضوع اسناد افترای عملی - موضوع در این قسمت نیز جنحه و جنایت است ولی از چند نقطه نظر باید آنرا با موضوع در افترای لفظی مقایسه کرد - در افترای لفظی مفتري آشکارا کسی را متهم بارتکاب جرم میکند ولی در افترای عملی بوسیله عملیات مخفیانه سعی میکند که سوءظن مأمورین را نسبت بدیگری جلب کند و باید غالباً جرمی قبلاً وقوع یافته باشد تا او با گذاردن اسباب و وسائلی نزد دیگری منظور خود را عملی کند و از عبارات «آلات و ادوات جرم» و اشیاء حاصله از جرم نیز این نتیجه بدست میآید که مأمورین باید بوقوع جرمی واقف باشند که آلات و ادواتی را منسوب بآن بدانند و در ماده ۲۶۹ مکرر الف گذاردن اشیاء یافت شدن در تصرف یکنفر موجب اتهام او میگردد نیز موجب مجازات دانسته شده و گرچه ممکن است آن اشیاء برای جرمی بکار نرفته باشند ولی شرط مجازات گذارنده اشیاء نیز اینست که مأمورین بر اثر مشاهده آن اسباب شخصی را که ظاهراً این اسباب نزد اوست تعقیب کرده باشند. معمولاً نیز مأمورین تا مطمئن از وقوع بزه می نشوند کسی را تعقیب نمیکنند و اگر بکسی مظنون شوند او را محرمانه تحت نظر میگیرند تا موقعیکه وقوع جرم مسلم شده و دلائل ارتکاب تا اندازه ای بدست آید. پس معلوم میشود که وقتی این نوع افترا شروع میشود که جرم اسناد داده شده (که در اینجا اسناد بطریق غیر مستقیم بوده) قبلاً مورد مطالعه کافی قرار گرفته و بیگناهی شخص متهم بآن جرم نیز مسلم شده باشد ولی در افترای لفظی مفتري طرف را متهم بجرمی میکند که شاید دوائر انتظامی و قضائی از موضوع آن بی اطلاع بوده و یا ادعای وجود آن از اصل عاری از حقیقت باشد.

موضوع اسناد در توهین - در جام توهین مطالب مبهم و گاهی اوقات بی ارتباط با موقعیت طرفین بوسیله استعمال کلمات و عبارات از جانب یکنفر خطاب بطرف مقابل ادا میشود که تحمل آن برای طرف دشوار میگردد.

اهانت یا در قالب یک کلمه یا یک جمله - موضوع در افترا و نشر اکاذیب با توهین از آن جهت متفاوت است که کذب بودن یک عبارت تقریباً واضح است ولی توهین بودن یک جمله باید ثابت گردد که اغلب از روی عرف و عادت و رسوم و اصطلاحات محل معین میگردد و در مورد اشخاص نیز بتناسب مقام و موقعیت و سن بستگی پیدا میکند همچنین در طول زمان ممکن است اصطلاحات معنایی توهین آمیز پیدا کند و یا این حالت را از دست بدهد.

بحث در جرائم برضد شرافت

ممکن است موضوع توهین یک عمل باشد مثل آنکه کسی بوسیله حرکات و تظاهراتی هتک حیثیت دیگری را بکند یا تشریفات متعارف را در مورد مقامی بجای آورد یا آزار بدنی بکسی برساند - این موضوع در ماده ۲۳۲ قانون دادرسی و کیفر ارتش آمده است که اگر هر کس مافوق خود را چه در حین خدمت و چه بسبب آن از روی تهیه و تصمیم کتک بزند بسه تا پانزده سال حبس تأدیبی محکوم است و اگر نه در حین اجرای خدمت و نه بسبب آن باشد در صورتیکه افسر باشد از خدمت اخراج و بیشش ماه تا دو سال حبس و اگر استوار یا گروهبان یا سرجوخه یا تاین باشد از یک تا پنج سال حبس با کار مجازات خواهد شد.

موضوع اسناد در جعل اکاذیب - بطوریکه از ماده ۲۶۹ مکرر ب - پیداست
موضوع اسناد در این جرم دو نوع است :

۱ - اکاذیب.

۲ - اعمال برخلاف حقیقت.

ممنوعیت اسناد اکاذیب منحصر باین نیست که اظهار مستقیماً نسبت بخود طرف باشد بلکه بمستتبع از این ماده کافیت یک اظهار کذب بقصد اضرار غیر ایراد شود ولو نسبت بستگان نزدیک او که اسناد بآنها برای حیثیت او مناسب نباشد یا خانواده یا وطن و مذهب و امثال آن.

فصل هفتم

وسائل معینی که اسناد باید توسط آنها صورت گرفته باشد

اسناد در قانون ایران باید با وسائل معین انجام گیرد تا ارکان آن تکمیل گردد در افترای موضوع ماده ۲۶۹ آنطور که از کلمات و عبارات ماده برمیآید وسیله باید اوراق چاپی - خطی - اعلانات - مراسلات - عرایض و گزارشها یا نطق در مجامع باشد و شرایط ذیل را نیز باید در نظر گرفت.

۱ - باید اوراق و نوشتجات از ید نویسنده خارج گردد و منتشر شود تا وقتیکه اوراق مزبور در نزد نویسنده باقی است جرم تحقق نیافته است.

۲ - امضاء اوراق مزبور یا عدم امضاء آنها از طرف مفتری تفاوت ندارد حتماً لازم نیست آن اوراق را مفتری امضاء کرده باشد ولی بدیهی است صدور از ناحیه او باید مسلم شود.

در مورد وسائل اسناد عقاید مختلفی اظهار شده است بدین توضیح که عده ای گفته اند چون در ماده ۲۶۹ وسیله اسناد بصیغه جمع بیان شده و در قوانین مجازاتی توجه بروح قانون جائز نیست پس اگر متهم بجرم افترا فقط یک ورقه خطی یا چاپی نزد دیگری یا مقامات رسمی بفرستد و در آنجا نسبت جرم بطرف خود یا شخص یا اشخاص ثالث داده باشد قابل تعقیب نیست و همچنین اگر در یک مجمع نسبت مذکور را بکسی بدهد مرتکب جرم افترا نشده دست دیگر چنین معتقدند که توجه بروح قانون در قوانین مجازاتی وقتی

بحث در جرائم برضد شرافت

ممنوع است که لطمه به اصل قانون زده و ماهیت آنرا تغییر دهد نه در موقعیکه مقصود قانون کاملاً معلوم باشد بنابراین مقید کردن ماده ۲۶۹ باینکه باید اوراق متعدد منتشر شده باشد و نطق در مجامع چند ایراد کرد بیمورد است زیرا منظور قانونگذار حفظ حیثیت اشخاص در مقابل کسانیست که از روی غرض نسبت‌های ناروا بدیگران بدهند.

و ایراد دسته دیگر دسته اول را که میگویند یک ورقه تنها آنقدرها مبهم نیست و بیش از یکی دو نفر را مطلع نمیکند اینطور جواب میدهند که یک ورقه همان تأثیر چند ورقه را دارد مثلاً اگر یک ورقه اعلام جرم تسلیم مقامات رسمی شود که طرف را متهم ساخته وعده زیادی خود بخود بر آن مطلع گردند آیا باید گفت چون یک ورقه بیشتر نبوده افترا تحقق نیافته است؟

و در صورت تسلیم باین عقیده باید گفت که مثلاً در یک مجمع در مقابل چندین هزار نفر سخنرانی کرد و نسبت‌های ناروا بدیگری داد آنقدر اهمیت ندارد که مثلاً سه بار در مجامع پانزده نفری.

بموجب ماده ۲۶۹ مکرر ب برای نشر اکاذیب و اعمال برخلاف حقیقت وسیله جرم مراسلات عرایض و راپورتها میباشد و در اینمورد نیز همان بحث شمول صیغه جمع برای مورد مفرد پیش میآید و چون ضمن مواد دیگری در قانون مجازات و از جمله گزارشهای برخلاف حقیقت در قانون دادرسی ارتش نیز این موضوع دیده میشود و گزارشها ممکن است در یک نسخه هم باشند پس بنظر میرسد در اینمورد صیغه مفرد نیز همان حالت جمع را دارد.

برای توهین وسیله خاص در قانون ذکر نشده که فقط وجود آنها الزام آور باشد و اهانت بطرزی است که بحیثیت طرف گران تمام شود بنا بر این بکلیه وسائل که اهانت کتبی و شفاهی یا بطور عملی صورت گیرد میتوان جرم را انجام شده دانست.

در مورد ماده ۲۶۹ مکرر الف وسیله جرم عبارت از اشیاء و وسائلیست که گذاشتن آنها بقصد متهم کردن دیگری نزد او بدون اطلاع خود او موجب مجازات گذارنده شود این کلمه بدون اطلاع دونوع تعبیر میشود - یکی اینکه متهم از وجود اشیاء در نزد خود بی اطلاع باشد و دیگر اینکه از وقوع جرم یا ارتباط این اشیاء با جرم اطلاع نداشته باشد اشیائیکه موجب تعقیب ممکن است بشود و ماده ۲۶۹ مکرر نیز آنرا برشمرده باین شرح است.

۱ - آلات و ادوات جرم مانند حربه که در ارتکاب قتل استعمال شده کلید یا میخی که برای باز کردن در و قفل و ارتکاب سرقت ساخته شده.

۲ - اشیاء حاصله از جرم - مثل مال مسروقه - اجناس غارت شده - اموالیکه از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت بدست آمده.

۳ - اشیائیکه وجود آنها موجب اتهام میشود.
مانند اسلحه بدون پروانه - تریاک قاچاق - اموال ممنوع‌الورود و آنچه اخیراً زیاد دیده میشود از قبیل اوراق و بیانیه‌های ممنوع.

فصل هشتم

« قصد »

میدانیم که قصد از عناصر هر جرمی است و جرائم برضد شرافت نیز نمیتواند از این قاعده کلی برکنار بمانند.

اما در این مورد باید قصد را بانیت و علت اولیه تفکیک کرد - قصد که در این جرم منظور نظر همان قصد ارتکاب جرم میباشد بهنگام عمل نه نیتی که از مدتی پیش از وقت ارتکاب در مخیله او ظهور کرده بود و تقریباً اغلب همین عقیده را دارند و حتی عده‌ای معتقدند که نمیتوان علت ممدوح را موجب معافیت از مجازات دانست ولی البته بهتر است که دادگاه از اختیار خود استفاده نموده و برای چنین اشخاصی تخفیف در مجازات قائل شود .

بعضی کشورها هم از این هم پیشتر رفته‌اند - چنانکه در سال ۱۹۲۹ مجله‌ای در لندن بنا بخواهش یک نفر عکس او را در حالیکه کنار خانمی ایستاد بود چاپ کرد و زیر آن نوشت عکس آقای اسمیت و خانم مارگارت که بتازگی نامزد شده‌اند - « مدیر روزنامه راجع باین دو نفر هیچ اطلاعی نداشت ولی پس از انتشار روزنامه معلوم شد خانمی که در عکس بوده مدتی است که عیال آقای مزبور میباشد و این خانم بعنوان اینکه عبارت زیر عکس چنین میرساند که مشارالیه زن شخص مزبور نبوده و مردم تصور خواهند کرد که معاشرت آن دو نامشروع بوده علیه مدیر روزنامه مزبور اقامه دعوی نمود دادگاههای بدایت و استیناف هر دو رأی دادند که ارکان افترا ثابت گشته و مدیر روزنامه با اینکه نه سوء نیتی داشته و نه غفلتی کرده است باید از عهده خسارت برآید - لزوم سوء نیت در افترا مورد بحث و یا انکار سیستم‌های مختلف حقوقی است چنانکه در ایران هم عده‌ای بان معتقد نیستند همینقدر که قصد برای ادای عبارت موجود باشد جرم حاصل شده ولی باید دانست که ادای هر نوع عبارت بظاهر افترا را نمیتوان جرم شمرد زیرا عبارات صریحی گاهی اوقات بنظر میرسد که به افترا و یا توهین شبیه است ولی فقدان قصد در آن بخوبی ملاحظه میشود - مثلاً کسی در روزنامه ضمن دفاع یکی از رجال خطاب با او مینویسد :

« دزد و کلاش شما لید بواسطه وجود شما چون مدتی است که آقایان

نتوانسته‌اند سوء استفاده‌ای بکنند . »

یا بصورت بذله و شوخی ممکن است ادا شود - اظهار این نوع عبارات مجازات نخواهد داشت .

بموجب ماده ۲۶۹ اسناد باید صریح باشد تا افترا صورت گیرد .

پس کنایه و اشاره و طعنه و امثال آن ها جرم نیست - از این قید صراحت چنین برمیآید که مثلاً « مفتی باید بگوید « آقای (ب) اموال (د) را دزدید » تاجریمی مرتکب شده باشد - اما مفهوم آنرا ممکن است بچند صورت دیگر بگوید که بنظر صریح نیاید .

اول - نمیدانم چرا هر وقت آقای ب بمنزل دوستش (د) میرود در آنجا دزدی رخ میدهد . در اینجا اسناد مبهم بوده و بدون تأویل واضح نمیشود .

بحث در جرائم برضد شرافت

دوم - اگر آقای (ب) اموال (د) را برنگرداند دزد است. صراحت در اینجا موجود ولی ناقص است چون مشروط شده است. ولی در شرع اشاره و کنایه افتراء آمیز یا توأم با اکاذیب نیز یکنوع جرم است. شیخ بهائی در مجمع عباسی در بیان تعریفات اینطور میگوید :

«بازهم کسیکه بکنایه چیزی بگوید که سبب آزردهگی دیگری شود - مثل آنکه بکنایه بگوید من که حرام زاده نیستم» مؤلف در اینجا خواسته است حالتی را نشان دهد که گوینده با این جمله شخص دیگری را حرام زاده خوانده است.

آیا چنین عبارتی در حقوق ایران منطبق با مصادیق ماده ۲۶۹ مکرر ب هست؟ البته بلی زیرا امروز در ایران اسناد حرامزدگی مضر بغیر است ولی مثالی که مؤلف جامع عباسی آورده است تقریباً مشکل است و حتی آنرا کنایه بخوانند زیرا انکار قصد برای آن خیلی آسان است بعلاوه کذب بودن آن نیز باید مسلم باشد و همانطوریکه قبلاً گذشت باید بوسیله کتبی نیز باشد و اثبات اینکه نویسنده قصد اضرار بغیر را داشته راجع بیک نوشته غیر صریح مشکل است چون محاورات شفاهی در حضور اشخاص بوده تأثیر و عکس العمل هر عبارت فوراً معلوم میشود و برای یک نوشته چنین وضعی موجود نیست و اگر باشد بسیار نادر است.

محققین خارجی که اشاره و کنایه افتراء آمیز را موجب تعقیب اسناد دهنده میدانند میگویند که در تعبیر اعتبارات مورد شکایت باید معنائی را در نظر بگیرند که یک شنونده یا خواننده عاقل از آن استنباط مینماید نه معنائی که انتشار دهنده خود در نظر داشته.

برای سوء نیتی که اغلب محققین آنرا از قصد جدا میدانند دونوع معنی میتوان قائل شد یکی سوء نیتی که اظهار کننده نسبت بشخص طرف دارد یعنی علاقه‌ای که او میخواهد طرف را فردی مجرم جلوه دهد و دیگر سوء نیت در آنموضوع مطروحه که ممکن است برای جلب نفع مادی یا معنوی باشد. نوع اول را تقریباً اغلب شرط لازم برای تشکیل جرم ندانسته اند و نوع دوم مورد بحث است. دادگاه عالی انتظامی که آرائش از نظر روش و احکام و قرارداد های قضات بسیار مؤثر است حکم شماره ۴۰۲۴ را در تاریخ ۳۶/۲/۲۰ باین شرح صادر کرده است.

«... صدور قرار منع تعقیب کسیکه باتهام افتراء تحت تعقیب بوده قبل از تکلیف سازش بطرفین باستناد نداشتن سوء نیت تخلف نیست زیرا عنوان مفتری بطوریکه مستوجب تعقیب و مجازات باشد چنانچه از مواد مربوطه استفاده میشود موقوف بر قصد اضرار بغیر و سوء نیت است و با عدم احراز سوء نیت موضوع منتفی است.»

دیده میشود که دیوان عالی انتظامی سوء نیت و قصد اضرار بغیر را در ردیف یکدیگر قرار داده و شاید آنها را دوتا دانسته اما سوء نیت را نیز برای افتراء لازم شمرده ولی برخی از حقوقدانان تعقیب مفتری را موقوف به سوء نیت دانسته‌اند.

بحث در جرائم بر ضد شرافت

در ماده ۲۶۹ مکرر ب سه نوع قصد دیده میشود :

۱ - قصد اضرار بغير .

۲ - قصد تشويق اذهان عمومي .

۳ - قصد تشويق اذهان مقامات رسمي .

احراز هر کدام از انواع مذکور برای تحقق عنصر قصد کافي خواهد بود زیرا قانونگذار آنها در عرض هم شمرده و هر کدام از آنها بدو صورت «اظهار اکاذيب» و «اسناد اعمال برخلاف حقيقت» ممکن است ايراد شود پس شش صورت پيدا میکند .

در ماده مربوطه پيش بينی شده که ولو ضرر مادی یا معنوی از این طریق بطرف وارد شده یا نشده باشد اسناد دهنده مجازات خواهد شد - پس دو صورت ممکن است پديد آید .

۱ - از اسناد ضرر بر دیگری وارد شود ولی قصد اضرار در مرتکب موجود نبوده است .

۲ - از اسناد ضرر بر دیگری وارد نشده ولی ورود آن امکان داشته و مرتکب دارای قصد اضرار بوده است .

صورت دوم مطابق آنچه ماده ۲۶۹ مکرر ب حکم میکند مرتکب مستحق مجازات میباشد .

در صورت اول چون مرتکب فاقد قصد بوده مجازاتی ندارد در این مورد رویه ای از آراء دیوان کشور در دست است که تقریباً موضوع را روشن میکند . در این رأی با آنکه ظاهراً راجع بضرر وارد شده بغير مطلبی نیست ولی احراز قصد اضرار بغير در هر صورت و با مقاطعیت لازم دانسته شده و اکنون نقل حکم .

« کسی باتهام آنکه در شکایت نامه خود نسبت بغير بیکی از مستخدمین اداره داده مورد تعقيب واقع و پس از صدور قرار مجرمین از طرف مستنطق و تنظیم ادعاینامه با استناد ماده ۲۶۹ مکرر دادگاه جنحه از جهت آنکه مدعی خصوصی صرفنظر نموده حکم منع تعقيب متهم را صادر و دادگاه استیناف بمناسبت اینکه نوشتن ورقه مورد شکوی از طرف متهم مبنی بر شکایت از تأخیر انجام کار او بوده و ضد زیان رساندن بدیگری مدلل نمیشود رأی بدوی را تأیید کرده و دیوانعالی تمیز شعبه ۵ در حکم شماره ۱۰۵۰۸/۶۹ بتاريخ ۱۷/۱/۱۰ چنین رأی داده است :

« اعتراض مدعی العموم استیناف بحکم ممیز عنده خلاصتاً این است که جرم متهم مشمول بند ب ماده ۲۶۹ مکرر قانون مجازات عمومی بوده و صدور حکم منع تعقيب مشارالیه مخالف با قانون و قابل نقض میباشد که اعتراض مزبور با ملاحظه رأی دادگاه استیناف که منظور متهم را از نامه که نوشته شکایت از تأخیر انجام کار خود تشخیص داده و قصد اضرار بغير را محرز ندانسته تا عمل مشمول ماده استنادی مدعی العموم گردد غیر وارد

بنظر میرسد و چون از سایر جهات نیز ایراد مؤثری مشهود نگردیده حکم مورد استدعای تمیز باتفاق آراء مبرم است»

چنانکه ملاحظه میشود شعبه ه طی این رأی در تفاوت بین قصد اضرار بنحیر و سوء نیت دقیق نشده است ولی البته نمیتوان از آن رویه کلی برای فصل چهاردهم قانون مجازات بلست آورد.

در تبصره ماده ۲۴ لایحه قانونی مطبوعات بشاکی حق داده برای مطالبه ضرر و زیان که از نشر مطالب کذب بر او وارد آمده به دادگاه مدنی دادخواست تقدیم نماید و دادگاه مکلف است نسبت بآن رسیدگی و مبلغ خسارت را تعیین و مورد حکم قرار دهد. در این مورد شاید بتوان عامل قصد را دخیل ندانست زیرا در دعاوی حقوقی کمتر راجع بقصد بحثی بمیان میآید و رویه‌ای در این مورد در انگلستان از اوایل قرن فعلی باقی مانده که شرح موضوع آن علاوه بر اینکه به بحث ما کمک میکند خالی از لطف نیز نمیشد و البته توجه باین نکته هست که رویه‌های حقوقی انگلیس پس از مدتها که از قرن هم تجاوز میکند ممکن است کهنه نگردد - قضیه از این قرار بوده است.

خبرنگار یکی از روزنامه‌ها از یکی از سواحل دریا در فرانسه که تفریحگاه معروفیست مقاله‌ای در توصیف وضعیت تفریح کنندگان مینویسد و برای اینکه مطالب خود را محسوس‌تر جلوه دهد اسم غیرمأنوسی را که مطمئن بوده کسی دارای آن نخواهد بود انتخاب میکند عبارت ذیل را مینگارد. « نگاه کنید ببینید آقای آرتیس جانز چگونه با خانمی که عیالش نیست گردش میکند. رفیقم در گوش من میگوید این زن باید از آن اشخاصی باشد که من میدانم.

مقاله محتوی این عبارت در لندن چاپ شد اتفاقاً یکی از وکلای دادگستری دارای این اسم غیر عادی بوده و تصادفاً در همان موقع برای انجام کاری از لندن مسافرت کرده بود دوستان و همسر این شخص وقتی این مقاله را میخواند طبعاً تصور میکند که موضوع مربوط باوست و این فکر در رفتار آنها نسبت باو منعکس میگردد مشارالیه برای حفظ آبروی خود اقامه دعوی مینماید روزنامه نگار در جواب ثابت میکند که بهیچ وجه سوء نیتی نداشته و نویسنده ابدأ از وجود چنین شخصی باین نام آگاه نبوده است ولی محاکمه تا مرحله تمیزی می‌رسد و چنین حکم صادر میشود که چون حسن شهرت شاکی در نظر بعضی اشخاص لکه‌دار شده است ضرر او باید جبران شود اعم از اینکه نگارنده سوء نیت داشته یا نداشته است.

ولی علمای از محققین انگلیسی با این نظر موافقت ندارند و سوء نیت را در مجرمیت مؤثر میدانند.

در موضوع ماده ۲۶۹ مکرر الف قصد بواسطه وقوع جرم جنحه یا جنایت و تعقیب شخصیکه متهم بآن جرم شده ضمن تحقیقات حاصله معلوم میشود این قصد با آنچه در بند ب همین ماده آمده است بیکه حالت نمیشد زیرا در اینجا باید کسیکه متهم بجرم شده در نتیجه افترا تعقیب گشته و برائت حاصل کرده باشد مفهوم مخالفش اینست

بحث در جرایم بر ضد شرافت

که اگر متهم بجرم برائت حاصل نکرده مفتری هم تعقیب نمیگردد. ولی چون متهم با دلائل دیگری محکوم شده افترای گذارنده اشیاء انجام شده است و مفهوم دیگرش این است که اگر حقیقت معلوم شد و از این عمل نتیجه‌ای نبرد تعقیب نخواهد شد. در صورتیکه در بند ب تعقیب اعم است از اینکه ضرر مادی و معنوی بغیر رسیده باشد یا خیر اگر این توطئه و زمینه‌چینی توأم با راهپرتی گردد مجازات او دو برابر خواهد گشت و در صورتیکه از طرف مأمور رسمی باشد علت این تشدید آنست که در صورت گذاردن اشیاء بقصد متهم بطور مخفی و بدون همراه داشتن راپورت حاکی از آنست که خود اسناد دهنده نیز نخواستند است طرف را با صراحت متهم نماید و این عمل یک مقدمه‌چینی محسوب شده و شباهت مختصری بشروع جرم دارد

آیا میتوان پس از پیدایش اسباب و اشیائیکه وجود آنها نزد کسی باعث جرم گشته از طرف گذارنده آنها انکار قصد را قبول نمود؟ شاید بنظر کمی مشکل آید ولی امثله ذیل تقریباً باین ادعا کمک میکند.

۱- اگر شخصی شیئی را برای فرار خود از تعقیب در محل یا منزلیکه تصور میکند خالی از سکنه است بگذارد در صورتیکه دیگری در آنجا ساکن باشد و بعلت کشف شیئی تعقیب شود.

۲- اگر سارق وجه یا مال مسروقه را برای سهولت در کار خود پس از ربودن از صاحب مال در جیب دیگری بگذارد و مقصودش این باشد که در موقع مناسب تری از جیب شخص ثانوی نیز برآید.

۳- هرگاه کسی اشیاء ممنوعه یا قاچاق را بدون اینکه خود بغیر مجاز بودن آن آشنا باشد بتصور آنکه متعلق بشخص معینی است که آنرا مفقود کرده در منزل او بگذارد. قصد در اهانت چگونه احراز میشود؟ مطابق آنچه قبلاً دیده‌ایم اهانت بساده و اهانت بمقامات رسمی تقسیم میشود در اهانت ساده میتوان راجع بعامل قصد بحث نمود زیرا در محاورات عمومی معمولاً کلمات و عباراتی بدون داشتن قصد برای هتک حرمت بکار برده میشود همچنین حالتی را میتوان در این جرم پیدا نمود که عامل قصد در آن ضعیف باشد و آن موقعیست که شخص بحالت تحریک بکسی اهانت یا پرخاش نماید. این نوع اهانت نشانه خشم درونی و ناراحتی روحی است که از یک عمل باو دست داده و باین جهت موجب تخفیف مجازات خواهد بود در قوانین فرانسه و ایتالیا این موضوع در متن ماده مربوطه در قوانین مجازات یا مطبوعاتی منعکس است.

تحریک چند صورت ممکن است داشته باشد؟ یا بر اثر اهانت قبلی بوجود میآید که منجر بجواب خواهد شد یا بر اثر عملی است که قبلاً از جانب طرف انجام گرفته در صورت اول حالت جرم تقریباً بصفر نزدیک میشود.

در اهانت بمأمورین رسمی و دوایر رسمی کمتر میتوان عامل قصد را برکنار دانست زیرا همان تشریفات و مقررات اداری خود مانع از آنست که بتوان اهانتی رابشوخ تعبیر کرد و یا تحریک را تا آنقدر که محاورات و مکالمات معمولی ساده مؤثر در تخفیف میشود مورد توجه قرار داد.

بحث در جرایم برضد شرافت

نکته ای که تحقیق آن لازم است اینکه آیا برای احراز قصد تصریح اسم شخص طرف اسناد لازم است یا نه در قانون فرانسه و سایر کشورهای اروپائی تصریح لازم نیست و همینقدر که معلوم شد طرف چه کسی است برای تعقیب کفایت میکند. در حقوق انگلیسی نیز این موضوع وجود دارد و اگر بطور کنایه کسی هدف اسناد قرار گرفت حق شکایت دارد ولی در سالهای اخیر بعضی دعاوی مطرح شده که بنظر ما با این اظهار مباینت پیدا میکند و نشان میدهد که بخاطر هر نوع کنایه یا اشاره ای نمیتوان اظهار کننده را بعنوان مفتری تعقیب کرد.

در ایران و اغلب کشورها عملاً طوری رفتار شده که باید طرف معین باشد و غالباً در مطبوعات فکاهی و سیاسی دیده شده که بعنوان شوخی یا جدی همه گونه نسبت و اهانت و تمسخر را نسبت برجال وارد میکنند و تصویرها و کاریکاتورهای مختلفی بچاپ میرسند و در سال ۱۳۳۲ حکمی از یکی از شعب دادگاه استان مرکز صادر و در جریان منتشر شد که چون موضوع آن مربوط باهانت بمحترمترین مقام کشور بود باید بگوئیم باین روش در مورد اشخاص عادی قطعیت میدهد ولی چون تا بمرحله تمیز نرسیده البته بعنوان یک رویه قضائی نمیتوان از آن یاد کرد و فقط بعنوان یک سابقه از آن استفاده میشود و موضوع این بود که دادگاه جوانی را که متهم باهانت مقام سلطنت بنحو کنایه شده بود تبرئه کرد زیرا او در شعاریکه داده بود اسمی ذکر کرده بود که باشخاص عادی و غیر معین نیز ممکن بود اطلاق گردد.

در ماده ۲۶۹ مکرر اسناد کذب هر کسی بطور تصریح یا تلویح جرم شناخته شده ولی باید دانست که آیا مربوط بعمل اسناد بطور تصریح یا تلویح است یا مربوط بذکر نام اشخاص یا هردو و چون در این مورد اشاره بیشتری بهیچکدام نکرده و اساساً ماده ۲۶۹ مکرر ب ماده شدید و قاطعی است هردو را باید مشمول آن دانست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی